



نورالدین محمودی

دانشجوی کارشناسی ارشد
فلسفه‌ی تعلیم و تربیت

خانواده

خانواده منظومه‌ای پویا و اندیشه‌ورز است که نه فقط رشد و تکامل فرزندان را سازمان می‌دهد، بلکه به آن جهت و معنا نیز می‌بخشد. خانواده، در مهیا ساختن بستریهای رشد و پرورش خلاقیت، نقش مهمی بازی می‌کند. زیرا خلاقیت انسان تا حد زیادی به خانواده وابسته است. این وابستگی باعث می‌شود، بخش مهمی از عکس‌العمل‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های فرزندان، عمیقاً از نظام تربیتی و آموزشی خانواده متأثر شوند. منظور از نظام خانواده، تأثیر روش‌ها، عقاید، برخوردها و الگوهای ارتباطی اطرافیان بر حالت‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی و رفتاری فرد است. این سلسله از عوامل، عمدتاً عملکرد والدین، خواهران، برادران و اطرافیان نزدیک را در برمی‌گیرد. خلاقیت فرد

از عقاید و الگوی تربیتی خانواده و فضای عاطفی خانواده تأثیر می‌پذیرد. در تحقیقات متعددی ثابت شده است، ظهور خلاقیت با موقعیت خانوادگی ارتباط نزدیکی دارد. متخصصان معتقدند، میزان خلاقیت را می‌توان با ایجاد محیط مناسب خانوادگی افزایش داد. با توجه به این که دوران کودکی حساس‌ترین مرحله در رشد خلاقیت است، خانواده به عنوان بنیادی‌ترین عنصر در شکل‌گیری خلاقیت مطرح است. آلبرت^۲ و رانکو^۳ (۱۹۷۸) درباره‌ی تأثیر خانواده بر خلاقیت کودکان تحقیقات وسیعی کرده‌اند. آن‌ها دریافته‌اند، بچه‌ها و بزرگسالانی که در ریاضیات و علوم سرآمد هستند و از نبوغ برخوردارند، زمینه‌های خانوادگی متفاوتی نسبت به سایر افراد داشته‌اند [حسینی، ۱۳۷۸: ۷۳].

کارن لیست^۴ و ونزولی^۵ (۱۹۹۱) در مطالعه‌ای که روی زنان هنرمند داشتند، به این نتیجه رسیدند که همه‌ی آن‌ها خانواده‌های حمایت‌کننده داشته‌اند. تمام زن‌ها اعلام کردند که والدین آن‌ها به کارشان علاقه نشان داده و از آن‌ها حمایت کرده‌اند. [همان، ص ۷۵].

اشاره

بی‌شک یکی از زیباترین ویژگی‌های انسان، قدرت خلاقیت^۱ است. از این دریچه، انسان می‌تواند توانایی‌های خود را شکوفا سازد و به حداکثر نیروهای درونی خود دست یابد و از آن‌ها برای بیان عمیق‌ترین احساسات و عواطفش استفاده کند. امروزه اکثر اندیشمندان اتفاق نظر دارند که اساس تمدن انسان بر خلاقیت نهاده شده است. بنابراین، بقا و تعالی هر جامعه‌ای، به میزان توجه و اهمیتی وابسته است که برای ظهور و گسترش این توانایی به عمل می‌آورد. از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه‌ی هر جامعه نیز، یافتن زمینه‌های بروز تفکر خلاق و فراهم کردن آن زمینه‌ها و از سوی دیگر، یافتن نیروهای مستعد و خلاق و پرورش صحیح آن‌هاست. عوامل اجتماعی و محیطی، نقش اساسی در خلاقیت بازی می‌کنند. این عوامل تحت تأثیر نظام اندیشه‌ورز ساختارهای کلان اجتماعی و نگرش‌ها و باورهای جامعه قرار دارند. ما در این جستار، خانواده، مدرسه و جامعه را به عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر خلاقیت

بررسی می‌کنیم.

محیط آموزشی

محیط آموزشی در کنار خانواده، تأثیرهای ماندگار و عمیقی بر رفتار فرد می‌گذارد. با توجه به مدت زمان زیادی که بچه‌ها در مدرسه می‌گذرانند، می‌توان گفت تجربه‌های مدرسه نقش اساسی در تحقق خلاقیت آن‌ها در آینده دارند. اما تحقیقات نشان داده‌اند، افراد برجسته به ندرت از مدرسه و معلمانشان به عنوان عامل مؤثر مهمی در رشد توانایی‌ها و خلاقیتشان یاد کرده‌اند [حسینی، ۱۳۷۸: ۱۰۳].

این محیط تنها به مدرسه یا محل تحصیل محدود نمی‌شود. از این رو می‌توان آن را هر مکان یا فضایی دانست که در آن نوعی فعالیت آموزشی و یادگیری برای فرد تدبیر شده باشد. بدیهی است، فعالیت آموزشی فقط به رفتار معلمان و مربیان محدود نمی‌شود و رفتار هر شخص دیگری را که بتواند کودک را تحت تعلیم و آموزش قرار دهد نیز در برمی‌گیرد. بنابراین، محیط آموزشی، مدرسه، مهدکودک، کانون‌های فرهنگی و پرورشی، کارگاه‌های فنی، کلاس‌های هنری و مواردی از این قبیل را شامل می‌شود.

نقش و تأثیر نظام آموزشی در زمینه‌سازی و تسهیل خلاقیت، اگر بیشتر از خانواده نباشد، کمتر هم نیست. کودکان زمان زیادی را در مهدکودک‌ها، مدرسه‌ها و محیط‌های یادگیری به سر می‌برند. بنابراین بهترین فرصت یادگیری سازنده و مولد (یادگیری خلاق) برای فرزندان، در محیط‌های آموزشی فراهم می‌شود.

عوامل اجتماعی مؤثر بر خلاقیت

جامعه

از گرایش به اندیشه ورزی، ترغیب به تحرک و پویایی، و باور به پیشرفت [پیرخایفی، ۱۳۸۴: ۱۸۶].

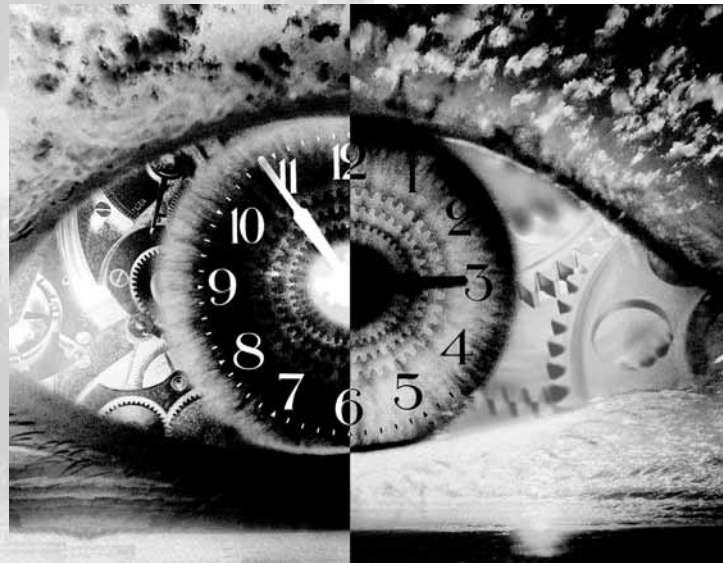
گرایش به اندیشه ورزی: جامعه‌ای که به فکر کردن و اندیشه ورزی بهای فراوانی می‌دهد، خود بهترین مروج اندیشه‌ی خلاق است. زیرا خلاقیت اصالتاً ماهیتی ذهنی دارد و بر فکر، ایده و نظر استوار است. به همین دلیل، گرایش به اندیشه ورزی، نمادی از اهمیت و رغبتی است که جامعه به اصل تفکر به طور عام و تفکر خلاق به طور خاص نشان می‌دهد.

ترغیب به تحرک و پویایی: جامعه برای پرورش و ترویج خلاقیت باید تلاش و جدیت را به عنوان فرایندی عمومی و همگانی تشویق و حمایت کند. این فرایند باید از سال‌های کودکی در محیط خانواده و اجتماع مورد توجه قرار گیرد. ساختارهای

اجتماعی و نظام‌های آموزشی، نقش وسیعی در پا گرفتن این ویژگی دارند. قدم بعدی در این فرایند، پویا کردن تلاش‌ها و جدیت‌هاست. برای آن که بتوان کودک و نوجوان خلاق داشت، باید او را در تلاش‌هایش پویا ساخت و بهترین فضا برای آن را ساختارهای اجتماعی فراهم می‌کنند.

باور به پیشرفت و ترقی: جامعه به حرکتی پیش‌رونده نیاز دارد تا بتواند خود را با مقتضیات روز و نیازهای جامعه هماهنگ کند و سازمان دهد. جامعه پیشرو نخواهد بود، مگر این که زمینه‌های بسط فرایند فایده‌رسانی و کاربردی شدن خلاقیت را فراهم آورد و با آغوش باز از آن استقبال کند. در صورتی که باور به پیشرفت و ترقی در جامعه عمومیت پیدا کند و پذیرفته شود، می‌توان از حد فعلی و کنونی فراتر رفت و به دستاوردهای بهتر در زندگی، کار، تحصیل، شغل،

بخش قابل توجهی از رفتارهای فردی و خانوادگی تحت تأثیر ارزش‌ها، هنجارها، فرهنگ و برنامه‌هایی قرار دارد که توسط ساختارهای کلان اجتماعی جامعه برای رشد و تکامل انسان‌ها تدارک دیده می‌شوند. این فرایند موجب می‌شود، منظومه‌ی فوق تحت نفوذ و سیطره‌ی نظام فرهنگی بزرگ‌تری که جامعه نامیده می‌شود، قرار گیرد و از آن تأثیر پذیرد. بنابراین، فرد خلاق به عنوان عضوی از این مجموعه، هم‌زمان در معرض عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی (خانودگی، آموزشگاهی و اجتماعی) قرار دارد که تأثیر آن‌ها می‌تواند، آسیب به خلاقیت یا تسهیل آن باشد. الگوهای اجتماعی که خلاقیت را تسهیل می‌کنند، عبارتند



تولید، مدرسه، شهر و نظایر آن اندیشید و فضای مناسب تری نیز برای خلاقیت فراهم آورد [همان: ۱۹۰].

بافت اجتماعی

بعضی محققان عقیده دارند، خلاقیت حالتی از وجود است که توسط روش های اجتماعی کردن جوانان، به مبارزه طلبیده می شود. یعنی خلاقیت از اوایل کودکی در مغرض خطر قرار دارد؛ گرچه ممکن است این بحث مطرح شود که در پرورش فرهنگ نوآوری، جنبه های مخرب اجتماعی و فرهنگی هم وجود دارند. البته مطالعات اخیر در مورد خلاقیت، بر آن دسته از رویکردهای سیستمی تمرکز دارند که خلاقیت را در محیط اجتماعی بررسی می کنند، با وجود این، طبق مدارک موجود (اسپیل وون کورف، ۱۹۹۸)، پژوهشگران تمایل دارند، بیشتر بر فرد و فرایند تمرکز کنند تا بر پیامد یا بافت های اجتماعی که در آن خلاقیت به وقوع می پیوندد. به فرض این که بافت های اجتماعی، کلاس درس و

مدرسه بافت های گسترده تری باشند که در آن ها دانش آموزان خلاقیتشان را به عمل در می آورند، طراحی راهبردهایی که خلاقیت را در یک نظام اجتماعی مورد تشویق قرار می دهند، نیازمند مطالعه ی بیشتری است. شواهدی از کشور سوئدان موجود است که نشان می دهد، رویکرد نوین آموزشی، ضرورتاً خلاقیت را بهبود نمی دهد؛ هرچند این بحث مطرح است که به منظور ایجاد فضای لازم برای پرورش خلاقیت و تعلیم و تربیت نسلی از جوانان که بتوانند، راه حل های جدیدی برای مسائل نیروی کار و بافت اجتماعی بیابند و محیط امروز و فردا را پیش بینی کنند، رویکرد نوین آموزشی ضروری است [کسلر، ۲۰۰۰].

بحث و نتیجه گیری

عوامل اجتماعی به وجود آورنده ی خلاقیت، زمینه ها و بستری را خلق می کنند که اگر فرد به طور طبیعی در معرض آن ها قرار گیرد، خواه یا ناخواه به دلیل تأثیرات بلند مدت و عمیقی که در خلال زمان دارند، اندیشه، عاطفه و شخصیت او به جهت دل خواه سوق می یابد. برای مثال، اگر کودک که در روند رشد و تکامل اجتماعی و شخصیتی خویش بیشتر در معرض الگوهای به وجود آورنده ی خلاقیت قرار گیرد و فضایی را احساس و درک کند که به خلاقیت دامن می زند، آن وقت شاید او به پرورش خلاقیت چندان نیازی نداشته باشد. عوامل اجتماعی خلاقیت در قلمروی روان شناسی، از موضوع هایی به شمار می رود که فرمول خاصی برای رشد و تحول آن وجود ندارد و برای

رسیدن به آن باید نکاتی به این شرح رعایت شوند:

۱. دستیابی به خلاقیت، با توجه هم زمان به عامل فرد، خانواده، محیط یادگیری و اجتماع نیاز دارد. بنابراین، مطلوب ترین حالت رسیدن به آن، زمانی تحقق پیدا می کند که موفق شویم بین این عوامل، ارتباطی پویا، سازنده و نسبی برقرار سازیم.

۲. هر فعالیتی برای آن که، مؤثر و سازنده واقع شود، نیازمند برنامه ریزی، تفکر و تحقیق است. یعنی در پرورش خلاقیت باید بکوشیم، ضمن رعایت تمامی ویژگی های مربوطه، تلاشمان مبتنی بر برنامه باشد.

۳. پرورش خلاقیت، به ویژه تجربیاتی که کودکان و نوجوانان بیرون از خانواده کسب می کنند، تا حد زیادی به شخصیت مربی و معلم بستگی دارد. در این راه، ویژگی هایی نظیر توان گفتاری، حوصله، قدرت ابتکار و علاقه مندی فراوان برای مریبان و معلمان، ضروری احساس می شود.

زیر نویس

1. Creativity
2. Albert
3. Runco
4. Caren List
5. Renzullie

منابع

۱. پیر خایفی، علی رضا (۱۳۸۴). مبانی و روش های پرورش خلاقیت. انتشارات هزاره ی ققنوس. تهران.
۲. حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد.
3. Kessler, R, (2000) the soul of education: helping student find connection, compassion.

